

شبکه خرده‌فروشی در خارج از کشور عاملی برای افزایش صادرات

هادی محمودی: خرده‌فروشی به معنای فروش کالا به مصرف‌کننده نهایی است اما نیاز است مفهوم جدیدی با رویکردی صادراتی، به نام خرده‌فروشی در خارج از کشور از طریق ایجاد فروشگاه‌های زنجیره‌ای عرضه محصولات ایرانی ظهور کند. وقوع این اتفاق فرخنده، موجبات شناساندن و بازاریابی کالاهای ایرانی را در خارج از کشور فراهم می‌کند و نقش قابل توجهی در افزایش صادرات غیرنفتی خواهد داشت.

در حال حاضر خرده‌فروشی سازمان یافته، عامل مهمی جهت رشد کسب‌وکارهای کوچک و متوسط است، چرا که به تولیدکنندگان اجازه می‌دهد بر تولید کالا تمرکز کنند و نگران فروش محصولات خود نباشند. همین اصل را می‌توان به خرده‌فروشی صادراتی نیز تعمیم داد، چرا که شعب مختلف فروشگاه‌های زنجیره‌ای در خارج از کشور، شناخت و توسعه بازارهای صادراتی و ایجاد تقاضا در بازارهای بین‌المللی را برای کالاهای ایرانی برعهده می‌گیرند و به تولیدکنندگان محصولات با کیفیت صادراتی، این مجال داده می‌شود فقط به تولید با کیفیت فکر کنند و محصولات را مطابق استانداردهای داخلی و بین‌المللی تولید کرده و دغدغهای برای صادرات و بازار فروش در خارج از کشور، نداشته باشند.

فروشگاه‌های زنجیره‌ای، مجموعه فروشگاه‌هایی هستند که دارای مدیریت واحد بوده و در سطح یک شهر، یک کشور یا چندین کشور فعالیت می‌کنند. این فروشگاه‌ها در خارج از کشور می‌توانند از عنوان تجاری یکسانی استفاده کنند یا در هر کشور متناسب با وضعیت فرهنگی، اقتصادی و شرایط خاص موجود در کشور میزبان، یک برند خاص تعریف کرده و تحت این نام فعالیت کنند. در این فروشگاه‌ها محصولات متنوعی همچون مواد غذایی و آشامیدنی، بهداشتی و آرایشی، پوشاک و منسوجات، لوازم اداری و خانگی و… قابل عرضه است.

زنجیره‌ای در ایران سال ۱۳۴۰ توسط اخوان کاشانی، به نام «بزرگ ایران» تأسیس شد و ۸ سال بعد برادران خدایی، «فروشگاه زنجیره‌ای کوش» را تأسیس کردند. در حال حاضر نیز فروشگاه‌های زنجیره‌ای بزرگی در ایران وجود دارند که پتانسیل ایجاد شعب در خارج از کشور را نیز دارا هستند که از آن جمله می‌توان به فروشگاه شهروند، رفاه، هایپر جی، جانیو و… اشاره کرد. در سطح بین‌المللی نیز فروشگاه‌های زنجیره‌ای معروفی وجود دارند که شعب مختلفی در سراسر دنیا تأسیس کرده‌اند، از آن جمله می‌توان به Walmart، Tesco و Carrefour اشاره کرد. ایجاد این نوع فروشگاه‌ها در خارج از کشور به جامعه صادراتی کمک می‌کند با حفظ بازاریابی صادراتی موجود، در حضور رقبا در مقده‌های صادراتی، جلوگیری کنند و ضمن هماهنگی مستمر تولیدات با صادرات و انتقال نظرات مشتریان، موجبات ارتقای کیفیت تولید را نیز فراهم می‌کند. با توجه به موارد مطرح شده، ضرورت ملی ایجاد می‌کند شرکت‌های تولیدی صادراتی، این‌جهن‌ها و اتحادیه‌های صادراتی و اتاق‌های بازرگانی سراسر کشور ضمن اعلام فرآخون با کمک و مشارکت فروشگاه‌های زنجیره‌ای بزرگ موجود در کشور، کنسررسیومی را تشکیل داده و تحت عنوان برندی خاص، اقدام به ایجاد یک شرکت خرده‌فروشی صادراتی کنند تا بتوانند با سرمایه پذیرهنویسی شده و حمایت‌های دولتی، فروشگاه‌های زنجیره‌ای بزرگی و مدرن عرضه کالا را حداقل در کشورهای همسایه تأسیس کنند.

بنا بر نظرات رئیس‌جمهور محترم در همایش روسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران از خارج از کشور «امروز عمق راهبردی ایران از شرق تا شبه قاره هند، از غرب تا مدیترانه، در جنوب تا اقیانوس هند و دریای سرخ و در شمال آسیای مرکزی و قفقاز است» پس لازم است از این نفوذ و عمق راهبردی روابط سیاسی در جهت توسعه صادرات غیر نفتی نیز استفاده کرد و ایجاد شرکت‌های خرده‌فروشی صادراتی و همچنین تأسیس فروشگاه‌های زنجیره‌ای بین‌المللی جهت فروش کالای ایرانی، می‌تواند گامی مهم در جهت بهره‌برداری اقتصادی از این شناخت و نفوذ منطقه‌ای باشد. لذا دولت محترم باید ضمن حمایت از اینگونه شرکت‌ها، تدابیری اتخاذ کند که شرکت‌های مذکور، از منابع ویژه صندوق توسعه ملی و تسهیلات بانکی خاص بهره‌مند شوند تا بتوانند با تأسیس فروشگاه‌های زنجیره‌ای در خارج از کشور و گسترش شعب، نقش موثری در افزایش صادرات غیر نفتی ایفا کنند.

اگر در سوریه نمی‌جنگیدیم

- فرحت حسین مهدوی

مقاومت اسلامی محدود به جغرافیا نیست و هر جا ملت‌ها دشمن‌شناس باشند، با خصلت تجاوز‌گرانه و خوی استکباری و زیاده‌خواهی و میل به پیشروی مستمر در عمق وجود خود، آشنا باشند، هويت خود را عزیز بدارند و حاضر نباشند عزت ملی و دینی خود را در بازار سازش‌ها و آسایش‌های مادی چند روزه دنیوی در معرض معامله قرار دهند و بدانند که اگر چنین کنند هنوز لذت کوتاه‌مدت آن را نچشیده، تلخی تجاوزات بیشتر و شدیدتر دشمن را خواهند چشید یا حتی حیات فردی و جمعی خود را نیز از دست خواهند داد یا به بردگی کشیده خواهند شد، قطعاً تسلیم دشمن نخواهند شد و اینجاست که مقاومت آغاز می‌شود. شکی نیست مقاومت اسلامی ابتدا به ساکن پای به عرصه وجود نمی‌گذارد، بلکه به عنوان عکس‌العمل به تجاوز بسیار طولانی و برای حفظ داشته‌ها و پس گرفتن آنچه ملتها از دست داده‌اند- از جمله هویت دینی، فرهنگی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی- ظهور می‌کند. تاریخ معاصر گواه است که پان‌عربیسم ناصری و غیرناصری مساله فلسطین و قیله اول مسلمین را به عرب و عربی‌گری نسبت داد تا به جایی رسید که فلسطین در پان‌عربیسم ناصری دست و پا می‌زد و آنقدر بر عربی بودن این مساله تأکید شده بود که کشورهای مسلمان دیگر مسئولیتی نسبت به آن احساس نمی‌کردند و آنقدر پان‌عربیست‌ها یا همان ناسیونالیست‌های عرب، مسلمانان غیرعرب را نامحرم تلقی کرده و از خود دور نگاه داشتند که در بین مسلمانان غیرعرب نوعی بی‌علاقگی عمومی نسبت به قدس و فلسطین به وجود آمد و پس از مذاکرات مبتنی بر سازش یا سر‌زمان و عرفان پان‌آزادی‌بخش فلسطین (ساق) با سران رژیم غاصب یهودی و تمایلات بی حد و حصر برخی حکام پان‌عربیست، عده‌ای از حکام کشورهای اسلامی حین طرح شناسایی رژیم صهیونیستی، موضوع فلسطین را حل شده خواندند و قبحی در شناسایی آن ندیدند و گفتند که «کسون که پان‌عربیست‌های مصری، اردنی و… آن رژیم را به رسمیت شناخته‌اند و همان عربی‌گری را هم به ثمن بخش فروخته‌اند، چانه می‌داند که ما غیرعرب‌ها هم آن را به رسمیت بشناسیم؟!» شاید آمریکا فرانسه و رژیم صهیونیستی در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی- با مطالعه مواضع امام خمینی(ره) و با توجه به جامعه کثیرالمنذاب لبنان- به این نتیجه رسیده بودند که حالا که اعراب فشل شده و کار خاصی از آنها نشانی نیست، تنها لبنان می‌تواند در سال‌های بعد به کانون مقاومت تبدیل شود و مزاحمتی برای رژیم صهیونیستی ایجاد کند، زیرا این کشور دارای جمعیت شیعی منسجم بوده در حالی که جمعیت‌های غیرشیعی به وسیله سکولارها و سلطنت‌های قبیله‌ای مستبد کلام‌مبار شده‌اند و آموزه‌های مذهبی‌شان نیز روی خوشی به حرکات مقاومتی و انقلابی نشان نمی‌داند، اگرچه در آن زمان جمعیت شیعی لبنان هم مانند جمعیت‌های سنی، دروزی، مسیحی و… در عیش دنیا و لذات سخیف و در عین حال قفر و بدبختی گرفتار بودند. تمام غربی‌ها و صهیونیست‌ها گویا متوجه بودند جمعیت شیعی لبنان می‌تواند بستر بسیار خوبی باشد برای مقاومت مؤثر و طولانی‌مدت علیه رژیمعی که آنها برای حفظ منافعیش حتی بارها منافع خودشان را به خطر انداخته بودند. بنابراین بعد از اشغال کامل فلسطین، و اراضی مصر، اردن و سوریه و بخش‌هایی در جنوب لبنان توسط رژیم اسرائیل، لبنان را گرفتار جنگ‌های طایفه‌ای و مذهبی بی‌هدف کردند تا مقدمه‌ای باشد برای آنکه ارتش تا ندانن مسلح رژیم صهیونیستی، با یک حمله برق‌آسا و کم‌هزینه بتواند در مدت کوتاهی آن را تصرف نموده و به قلمرو خود ضمیمه کند. امام بصیر و آینده‌نگر امت اسلامی حضرت روح‌الله کبیر هم در اوج آشوب‌های لبنان نماینده بسیار زیرک و عالم و دانشمند خود، امام موسی صدر را در زمان اقامت اجباری خود در نجف اشرف، به لبنان گسیل داشت و او گویا نقطه پایانی بر آشوب‌های لبنان نهاد و به امنیت و همگرایی و وحدت طوایف این کشور کمک‌های شایانی کرد؛ کاری که هیچکس در لبنان به آن نمی‌اندیشید. او با همکاری شهید دکتر مصطفی چمران دوستان را متحد کرد و شالوده‌های اولیه مقاومت را گذاشت؛ دشمن هم امام موسی صدر را به عنوان کسی می‌شناخت که توطئه‌اش را خنثی کرده بود، بنابراین وی را از ملت



تاریخچه مقاومت اسلامی و ضرورت و ثمرات حضور آن در منطقه شام

اگر در سوریه نمی‌جنگیدیم

- فرحت حسین مهدوی

لبنان و امت مسلمان گرفت و یار جموش استکبار در لیبی، معمر قذافی، او را مدتی قبل از پیروزی نهضت امام خمینی(ره) در ایران، به میهمانی دعوت کرد اما آداب میهمانداری را به جای نیابرد و از آن زمان از آن بزرگوار هیچ خبری نیست.مرجع تقلید شیعیان جهان حضرت امام خمینی(ره) نخستین رهبر مسلمان و انقلابی بود که در زمان اوج حرکت پان‌عربیسم ناصری، در آغاز حرکت خود علیه شاه و اربابان غربی او، در اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی قضیه رژیم جعلی اسرائیل را- که نقش پایگاه تجاوز و ناو هواپیمابر غرب را در منطقه بازی می‌کند- با جدیت مطرح و بر نابودی این رژیم تأکید کرد و هنگامی که قیله اول مسلمانان در باتلاق پان‌عربیسم دست و پا می‌زد و سایر مسلمانان مسئولیتی نسبت به آن احساس نمی‌کردند، امام بر نفی وجود رژیم صهیونیستی تأکید کرد. امام خمینی مساله قدس و فلسطین را از دایره راکد و جامد و بی‌حرکت پان‌عربیسم نژادگرا و قوم‌گرا خارج و به مساله‌ای جهانی تبدیل کرد که متعلق به امت اسلامی و حتی مسیحیت و همه بشریت است و توجه همه آزادگان جهان را به این مساله و ظلم و ستمی که بر ملت مظلوم این سرزمین فراموش شده می‌رفت، جلب کرد و رؤیای فراموش شده فلسطین را برای استکبار و صهیونیست‌ها به کابوس هراسناک تبدیل کرد.انقلاب اسلامی به‌رهبری حضرت آیت‌الله‌المظلی سیدروح‌الله موسوی خمینی(ره) اوایل سال ۱۹۷۹میلادی به پیروزی رسید؛ سفارت اسرائیل را تعطیل و روابط دیپلماتیک با این رژیم را قطع کرد و در محل سفارت اسرائیل، سفارت فلسطین را تأسیس کرد و نخستین گام را در راستای آزادی کشور فلسطین برداشت. در این زمان وجود منحوس رژیم صهیونیستی به خطر افتاد، آن‌هم زمانی که قدرت‌های غربی مطمئن بودند که همه سنگ‌های ضداسرائیلی را فتح کرده، مردوزان خود را رأس کشورهای عربی و اسلامی مستقر کرده و هیچ خطری متوجه تل‌آویو نیست، بنابراین دشمنان راهبردی غرب در بلوک غربی مطمئن بودند که همه سنگ‌های ضداسرائیلی را فتح کرده، مردوزان خود را رأس کشورهای عربی و اسلامی مستقر کرده و هیچ خطری متوجه تل‌آویو نیست، بنابراین دشمنان راهبردی غرب در بلوک غربی مطمئن بودند که همه سنگ‌های ضداسرائیلی را فتح کرده، مردوزان خود را رأس کشورهای عربی و اسلامی مستقر کرده و هیچ خطری متوجه تل‌آویو نیست، بنابراین دشمنان راهبردی غرب در بلوک غربی مطمئن بودند که همه سنگ‌های ضداسرائیلی را

فتح کرده، مردوزان خود را رأس کشورهای عربی و اسلامی مستقر کرده و هیچ خطری متوجه تل‌آویو نیست، بنابراین دشمنان راهبردی غرب در بلوک غربی مطمئن بودند که همه سنگ‌های ضداسرائیلی را فتح کرده، مردوزان خود را رأس کشورهای عربی و اسلامی مستقر کرده و هیچ خطری متوجه تل‌آویو نیست، بنابراین دشمنان راهبردی غرب در بلوک غربی مطمئن بودند که همه سنگ‌های ضداسرائیلی را فتح کرده، مردوزان خود را رأس کشورهای عربی و اسلامی مستقر کرده و هیچ خطری متوجه تل‌آویو نیست، بنابراین دشمنان راهبردی غرب در بلوک غربی مطمئن بودند که همه سنگ‌های ضداسرائیلی را فتح کرده، مردوزان خود را رأس کشورهای عربی و اسلامی مستقر کرده و هیچ خطری متوجه تل‌آویو نیست، بنابراین دشمنان راهبردی غرب در بلوک غربی مطمئن بودند که همه سنگ‌های ضداسرائیلی را فتح کرده، مردوزان خود را رأس کشورهای عربی و اسلامی مستقر کرده و هیچ خطری متوجه تل‌آویو نیست، بنابراین دشمنان راهبردی غرب در بلوک غربی مطمئن بودند که همه سنگ‌های ضداسرائیلی را

فتح کرده، مردوزان خود را رأس کشورهای عربی و اسلامی مستقر کرده و هیچ خطری متوجه تل‌آویو نیست، بنابراین دشمنان راهبردی غرب در بلوک غربی مطمئن بودند که همه سنگ‌های ضداسرائیلی را فتح کرده، مردوزان خود را رأس کشورهای عربی و اسلامی مستقر کرده و هیچ خطری متوجه تل‌آویو نیست، بنابراین دشمنان راهبردی غرب در بلوک غربی مطمئن بودند که همه سنگ‌های ضداسرائیلی را فتح کرده، مردوزان خود را رأس کشورهای عربی و اسلامی مستقر کرده و هیچ خطری متوجه تل‌آویو نیست، بنابراین دشمنان راهبردی غرب در بلوک غربی مطمئن بودند که همه سنگ‌های ضداسرائیلی را فتح کرده، مردوزان خود را رأس کشورهای عربی و اسلامی مستقر کرده و هیچ خطری متوجه تل‌آویو نیست، بنابراین دشمنان راهبردی غرب در بلوک غربی مطمئن بودند که همه سنگ‌های ضداسرائیلی را فتح کرده، مردوزان خود را رأس کشورهای عربی و اسلامی مستقر کرده و هیچ خطری متوجه تل‌آویو نیست، بنابراین دشمنان راهبردی غرب در بلوک غربی مطمئن بودند که همه سنگ‌های ضداسرائیلی را

فتح کرده، مردوزان خود را رأس کشورهای عربی و اسلامی مستقر کرده و هیچ خطری متوجه تل‌آویو نیست، بنابراین دشمنان راهبردی غرب در بلوک غربی مطمئن بودند که همه سنگ‌های ضداسرائیلی را فتح کرده، مردوزان خود را رأس کشورهای عربی و اسلامی مستقر کرده و هیچ خطری متوجه تل‌آویو نیست، بنابراین دشمنان راهبردی غرب در بلوک غربی مطمئن بودند که همه سنگ‌های ضداسرائیلی را فتح کرده، مردوزان خود را رأس کشورهای عربی و اسلامی مستقر کرده و هیچ خطری متوجه تل‌آویو نیست، بنابراین دشمنان راهبردی غرب در بلوک غربی مطمئن بودند که همه سنگ‌های ضداسرائیلی را

فتح کرده، مردوزان خود را رأس کشورهای عربی و اسلامی مستقر کرده و هیچ خطری متوجه تل‌آویو نیست، بنابراین دشمنان راهبردی غرب در بلوک غربی مطمئن بودند که همه سنگ‌های ضداسرائیلی را فتح کرده، مردوزان خود را رأس کشورهای عربی و اسلامی مستقر کرده و هیچ خطری متوجه تل‌آویو نیست، بنابراین دشمنان راهبردی غرب در بلوک غربی مطمئن بودند که همه سنگ‌های ضداسرائیلی را فتح کرده، مردوزان خود را رأس کشورهای عربی و اسلامی مستقر کرده و هیچ خطری متوجه تل‌آویو نیست، بنابراین دشمنان راهبردی غرب در بلوک غربی مطمئن بودند که همه سنگ‌های ضداسرائیلی را فتح کرده، مردوزان خود را رأس کشورهای عربی و اسلامی مستقر کرده و هیچ خطری متوجه تل‌آویو نیست، بنابراین دشمنان راهبردی غرب در بلوک غربی مطمئن بودند که همه سنگ‌های ضداسرائیلی را



اسلامی‌ترین و اخلاقی‌ترین نظام در عرصه جهان، هیچ وقت از وظایف خود غافل نبوده و اعتقاد واقع داشته و دارد که نیکی پاداشی جز نیکی ندارد، همان‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید: «فَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ؛ آیا پاداش نیکی جز نیکی است.» (رحمن، ۶۰) فلسفه وجودی جمهوری اسلامی ایران، حمایت از مسلمانان و مستضعفان جهان است و حتی قانون اساسی این کشور چنین مقتضیاتی دارد و مبلغ اخلاقی اسلامی بوده و احادیث اخلاقی را در جهان اسلام احیا کرده و اعتقاد کامل به این حدیث پیامبر(ع) دارد که «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنَّهُمْ وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يَبْدَأُ بِاللُّسْمِ لِمَنْ فَلَمْ يَجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛ هر کس صبح کرد و اهتمام به امور مسلمین نوزید، او مسلمان نیست؛ و هر کس که فریاد مردی را بشنود که ای مسلمانان به فریادم برسید، و او را اجابت نکند، او مسلمان نیست.» (الکافی، ج۲، ص ۱۶۳). همچنین حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام به امام حسن و امام حسین علیهما‌السلام فرمود: «کُونَا لِلْعَالَمِ خَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا؛ دشمن ستمگر و یار ستمدیده باشید.»(نامه۴، نهج‌البلاغه)

■ واجب شرعی و دینی

دولت‌های غربی و در رأس آنها آمریکای جهانخوار، اخیراً و به دنبال شکست کامل در سوریه و عراق به حضور ایران در سوریه و سایر کشورهای منطقه و همین‌طور توان موشکی جمهوری اسلامی که نشان از ضعف همه قدرت‌های استکباری و اذتاب‌شان در منطقه دار، معترضند. «توالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا اخیراً به حکم دایه مهربان‌تر از مادر در سخنانش تکرار می‌کند که دولت جمهوری اسلامی ثروت مردم در سوریه و کشورهای دیگر هر یک می‌دهد و مردم خودش چنین و چنانند، بدون اینکه توضیح دهد آمریکا چرا در سوریه، عراق، قطر، کویت، بحرین، عربستان، کره، ژاپن و افغانستان حضور دارد و آیا هزینه‌هایی که از این طریق به مردم آمریکا تحمیل می‌کند، توجیه عقلی و قانونی دارد؟! او احتمالاً خواهد گفت «ما داریم از منافع آمریکا دفاع می‌کنیم» ولی در عین حال همین حق را به جمهوری اسلامی نخواهد داد، زیرا استکبار، جهان را ملک خود می‌داند و حضور قدرتی به نام جمهوری اسلامی را بر نمی‌تابد؛ قدرتی که به‌رغم میل او هم اکنون با اقتدار کامل در عرصه سیاست جهان حضور دارد و آنگاه خوانند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا خُذُوْا حِذْرَكُمْ فَيُنْفِرُوْا بِتٰوْبَتِ اَوْ اَنْفِرُوْا جَمِيْعًا اَي كَسٰتِيْ كِه اِيْمَانِ اَوْرَدَهٗا، (در برابر دشمنان دین) آمادگی خود را حفظ نموده، سلاح‌های خود را برگزید، پس گروه گروه یا دسته‌جمعی (طبق اقتضای حال) حرکت و کوچ نمایید.» (نساء، ۷۱) همچنین می‌فرماید: «وَّذِ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَوْ تَوَلَّوْا عَنْ اَسْلِحَتِكُمْ وَاَتَمَّكْتُمْ فَيَمْسِلُوْنَ عَلَيَكُمْ مِثْلَهُ وَاِحْدَهُ؛ کافران دوست دارند شما را از اسلحه‌ها و ساز و برگ‌های خود فکند کنید پس یک مرتبه بر شما حمله کنند.» (ساء، ۱۰۲) و می‌فرماید: «وَأَعِدُّوْا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِّجَاطِ الْخَيْلِ تُهْزِمُوْنَ بِهِ عَدُوَّالهِ وَعَدُوْكُمْ وَاٰخِرِيْنَ مِنْ دُوْنِهِمْ لَا تَعْلَمُوْنَهُمْ؛لِلّٰهِ يَتَعَلَّمُوْهُمْ؛ و در برابر آنها آنچه توانستید از نیروی انسانی، سلاح‌های روز و هزینه نبرد) و اسبان بسته و آماده شده (وسایط نقلیه مناسب) آماده‌سازید که بدین وسیله دشمن خدا و دشمن خود و دشمنان دیگری را غیر آنها که شما آنها را نمی‌شناسید، خداوند آنها را می‌شناسد، پرتساید.» (انفال، ص ۶۰)

■ اگر در سوریه نمی‌جنگیدیم…

بدون شک هدف تمام تجاوزات استکبار و صهیونیسم در منطقه در ۲۰ سال اخیر، نظام جمهوری اسلامی بوده و این نظام راهی جز مقابله با تروریست‌ها و جلوگیری از شیوع ناامنی به داخل کشور نداشته است و رهبر انقلاب هم بارها فرمودند «اگر جلوی فتنه‌گران در سوریه گرفته نمی‌شد، مجبور بودیم در کرمانشاه و همدان با آنها مقابله کنیم یا در تهران، خراسان و اصفهان جلوی آنها را می‌گرفتیم. امروز دیگر بر کسی پنهان نیست که طالبان، القاعده، داعش و امثال آنها که با ابزار مذهب می‌جنگند، یا گروه‌های لائیکی که در آن سوی مرزهای جمهوری



اسلامی به ایجاد ناامنی می‌پردازند، همه و همه توسط غرب بویژه آمریکا و به کمک حکومت‌های خود‌کامه تحت پرچم استکبار در منطقه، جهت تغییر در جغرافیای سیاسی منطقه به وجود آمده‌اند. آنها از اوایل دهه ۱۹۹۰میلادی- که حالا که تاریخ اقتضای طرح صدساله ترسیم مرزهای کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا به سر آمده- به دنبال اجرای طرح جدید مرزها در خاورمیانه هستند؛ «طرح خاورمیانه بزرگ». آنها شانس خود را بارها با تحریم و جنگ و کودتا و شورش و جنگ‌های نیابتی و به کارگیری گروه‌های تروریستی علیه جمهوری اسلامی امتحان کرده‌اند و با جنگ‌های پیاپی در لبنان و فلسطین و یمن و دخالت در بحرین، یمن، سوریه و عراق و ایجاد داعش و النصره و انواع گروه‌های تروریستی و دخالت‌های نظامی و سرازیر کردن سلاح و پول و اعزام مزدور تمام تلاش خود را در متوقف کردن روند رو به گسترش انقلاب اسلامی به کار بردند اما نتیجه معکوس گرفتند. حمله استکبار غرب و اسرائیل و سران عرب و ترکیه به سوریه، بعد از حملات انجام شده علیه حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی، حمله به قوی‌ترین بازوی جمهوری اسلامی بود تا هم جمهوری اسلامی محدود و در داخل ناامن شود و هم نقشه خاورمیانه بزرگ اجرا شود؛ هم حزب‌الله نابود شود و هم سوریه به جولانگاه تروریست‌های تحت امر صهیونیست‌ها تبدیل شود!اما نشد و چندین جمعیت مقاومتی شبیه حزب‌الله از نیروهای داوطلب پاکستانی، عراقی، افغان، یمنی و سوری به وجود آمد. خواستند سوریه را نابود کنند تا بل ارتباطی بین ایران و حزب‌الله نباشد، به همین خاطر تمام سراهای ارتباطی سوریه در آغاز جنگ که حدود ۹۰ ماه پیش شروع شده بود، با طرح و برنامه رژیم صهیونیستی نابود شد اما مقاومت اسلامی که به‌رغم امیال غرب و صهیونیست‌ها قوی‌تر شده بود، نگذاشت این بل منهدم و این ارتباط قطع شود. بسیاری اسلامی در منطقه که به اوج خود رسید، غرب برای مهار آن به کمک اعراب و اسرائیل در لیبی مداخله نظامی و آن را به ویرانه تبدیل کرد و بعد از آن متوجه سوریه شد؛ کشوری که زمانی با جمهوری اسلامی همکاری داشت نابود شد و کشوری که خط مقدم مقاومت اسلامی بود، هدف قرار گرفت و غربیان بر موج آنچه خود به عنوان بهار عربی در سوریه ایجاد کرده بودند، سوار شدند و هزاران تروریست را از عراق وارد سوریه کردند اما همه آنها شکست خوردند و بل ماند و رؤیای آغاز جنگ جدید علیه جمهوری اسلامی به کابوسی برای واشنگتن، تل‌آویو و ریاض تبدیل شد. حالا باید پرسید آیا حضور مقاومت اسلامی در سوریه تنها معطوف به قضایای اخلاقی و انسانی بود یا باید به حکم عقل سیاسی جلوی فتنه در همان آغاز گرفته می‌شد یا اینکه اجازه داده می‌شد شرارت‌ها به سایر کشورها، بویژه جمهوری اسلامی که هدف اصلی بود، سرایت کند؟ بدون شک جمهوری اسلامی به عنوان کانون مقاومت اسلامی، حکیمانه‌ترین سیاست‌ها را اتخاذ کرد، توطئه را در زادگاهش خفه کرد، جبهه مقاومت را با ایجاد سازمان‌های مقاومتی جدید و دعوت از روسیه جهت حضور در این جبهه، تقویت نمود، رهبری نامشروع رژیم اشغالگر را برای نخستین‌بار در ۷۰ سال تاریخ منحوسش، بی‌دفاع کرد و مرزهای نظام اسلامی و مقاومت اسلامی را ایمن‌تر کرد و عراق و سوریه را از حلقوم استکبار بیرون کشید، طرح نابودی آرمان فلسطین را خنثی کرد، هزینه‌های حفظ رژیم یهود را تا حد غیرقابل تحملی افزایش داد، رؤیای یمن توسط فسقلی‌های خلیج‌فارس و بنی‌سعود، را به کابوس وحشت تبدیل کرد، وانگهی حضورش در کنار مقاومت حزب‌الله سایر گروه‌های مقاومت، به در خواست دولت مشروع سوریه بود و همه این کارها را با کمترین هزینه ممکن به‌انجام رساند و امروز براحتی می‌توان گفت بنی‌سعود و بنی‌صهیون خواب ناامن کردن جمهوری اسلامی را به دست خواهند برد.

درست گفته است مصلح‌الدین سعدی شیرازی:
سرچشمه شاید گرفتن به بیل/ چو پر شد نشاید گذشتن به بیل